واژگان کلیدی

سکونتگاه‌های غیررسمی

امنیت اجتماعی

توانمندسازی

کرمانشاه

دولت‌آباد

کلید گم‌شده امنیت اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی

(مطالعه سکونتگاه غیررسمی دولت‌آباد کرمانشاه)

نوع مقاله: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۲٤

نویسندگان

فاتح توانگر*
مدرس دانشگاه پیام نور سرپل‌ذهاب و دانشگاه آزاد قصرشیرین، کارشناس ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه تهران، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه،
hawzhin.ft@gmail.com
۰۹۱۸۷۳٤۰۱٤٤

سید رامین قاسمی
کارشناس ارشد رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه،
qasemi_sr@yahoo.com
۰۸۳۱٤۲۱٦۱٤۳

نادر رجبی گیلان
کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه،
rajabi_nader@yahoo.com
۰۸۳۱٤۲۱٦۱٤۳

حمید خرمی‌راد
کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، مرکز آموزشی توانبخشی مشکلات ویژه یادگیری سرپل‌ذهاب
hamid.khoramirad@gmail.com
۰۹۱۸۳۳٤۹۳٤۵

* نویسنده مسئول

چکیده

هدف: ارتقای امنیت اجتماعی و راهکارهای آن به شکل خاص در سکونتگاه‌های غیررسمی هدف این تحقیق است. بر این اساس به دنبال شناسایی کامل ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در این مناطق هستیم تا از این طریق به چگونگی امنیت اجتماعی در این سکونتگاه‌های شهری پی ببریم.

روش: روش پیش برنده اصلی در این تحقیق روش کیفی است. در این تحقیق از ابزارهای روشی متنوعی همچون مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای، مشاهده میدان تحقیق، مصاحبه انفرادی و از همه مهم‌تر مصاحبه‌های گروهی بهره گرفته شده است. ۹ گروه تحقیق ناهمگون با ۸-۱۰ نفر از ساکنان سکونتگاه دولت‌آباد کرمانشاه تشکیل شد که با این ۹ گروه تحقیق به اشباع نظری رسید.

یافته‌ها: بیانگر آن است که سکونتگاه مذکور در دهه‌های قبل (منظور قبل از دهه ۸۰ است که طرح توانمندسازی اجرا شد) در حوزه‌های مختلف اقتصادی، فضایی- کالبدی، اجتماعی و فرهنگی (عوامل بنیادی) دارای نارسایی‌ها و کمبودهایی بوده است که بر روی شاخص‌های امنیت اجتماعی آثار منفی داشته است. تغییر در این عوامل بنیادی تحت تحولات صورت گرفته ناشی از توانمندسازی در این منطقه دارای اثرات مثبتی بر روی متغیرهای امنیتی بوده است.

بحث و نتیجه گیری: توانمندسازی همه جانبه در سکونتگاه‌های غیررسمی با اصلاح کژکارکردهای منتج از شرایط حاکم بر این سکونتگاه‌ها مرتبط است. توانمندسازی در این مناطق تأثیر خطی و جمع شونده بر روی شاخص‌های امنیت اجتماعی ندارد بلکه دارای تأثیر هم‌افزاینده و مارپیچی مثبت است. توانمندسازی کلید گمشده امنیت اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی است.

نحوه استناد به مقاله:
فاتح توانگر، سید رامین قاسمی، نادر رجبی گیلانی، حمید خرمی راد. کلید گم‌شده امنیت اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۳؛ ۳ (۱): ۱٦-۲٦

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.1.3.4]

Keywords

Informal setllement

Social security

Empowerment

Kermanshah

Dawlatabbad

Lost Key of Social Security in Informal Settlement

(study of Dawlatabbad informal settlement of Kermanshah)

Study Type: Original
Recived: 23 May 2014
Accepted: 14 Jun 2014

Abstract

Objective: The objective of this research is Improving social security and its solutions particularly in Informal Settlements. Accordingly, we are seeking to understand All structures of cultural, social, economic and spatial in this area, until In this way, we find Achilles heel of social security in urban settlements.

Method: Case study in this research is Dawlatabbad informal settlement in Kermanshah that empowerment project Has been implemented. The method used in this study is a qualitative research. In this way, a variety of research tools such as library and archival research, field observation, interview and more importantly group interview have been used. 9 research groups with 8-10 uneven settlements of Dawlatabbad Kermanshah residents formed a research group and with nine group we are reached theoretical saturation. Building bridges between these factors and Evolution

Findings: Dawlatabbad informal settlement has shortcomings in spheres of economy, environment, spatial and social that have impact on Social Security. (Before 80 decades that empowerment design has not performed). Building bridges between these factors and changes have taken place as empowerment have significant effects on social security variables.

Conclusion: Total empowerments in informal settlement related with societal security malfunction. Empowerment in this region hasn't liner and cumulative impact but has positive spiral and synergic impact. Empowerment is lost key of societal security in informal settlement.

Authors

Fateh Tavangar*
MSc in Social Welfare planning, Social Development & Health Promotion Research Center, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran
hawzhin.ft@gmail.com
09187340144

Seyed ramin Ghasemi
MSc in Social Welfare, Social Development & Health Promotion Research Center, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran.
qasemi_sr@yahoo.com
+98 831 4216143

Nader Rajabi Gilan
MSc in Social Research, Social Development & Health Promotion Research Center, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran.
rajabi_nader@yahoo.com
+98 831 4216143

Hamid Khoramirad
MSc in history and philosophy of Education, Sarpolezahab Center for Learning Disorders,
hamid.khoramirad@gmail.com
Tel:09183349345

* Corresponding Author

Please cite this article as follows: Tavangar F, Ghasemi S, Rajabi Gilani R, Khoramirad H. Lost key of societal security in informal settlement. Quarterly Journal of Social Work. 2014; 3 (1):16-26

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.1.3.4]

مقدمه

شـــهرهای ایران و به ویژه کلان شهرها مملو از ناامنی است که حاصل دسترســی پذیری متفاوت به منابع و امکانات شهری و رفاهی است. در مناطق حاشیه نشین شهری به دلیل حاکمیت شرایط فرهنگی برزخ گونه بین فرهنگ روستایی- شهری و نبود وسایل و شرایط پایه‌ای جهت نیل به اهداف و طرد شدن ساکنین آن‌ها از بسیاری از حوزه‌های شهروندی، بحران ناامنی اجتماعی بیشتر محسوس است. مناطق حاشیه‌نشین شهری از جمله مستعدترین مکان‌های شهری برای بروز ناامنی اجتماعی است. آنچه در این بین اهمیت دارد این اســت که همواره نوعی پیش‌داوری و نگاه پوزیتویستی در مواجه با مسئله ناامنی اجتماعی در این مناطق بر مسئولین شهری و دستگاه‌های امنیتی و انتظامی غالب بوده است و همین امر زمینه را برای اتخاذ سیاســت‌ها و رویکردهای بسیار عقیم در این سکونتگاه‌ها فراهــم کرده که به عنوان نمونه می‌توان به تخریب منطقه خاک ســفید تهران و یا محله چمن در کرمانشاه اشاره نمود. اتخاذ رویکردهای سفت و ســختی همچون جابجایی و تخلیه اجباری اثرات دراز مدت مثبتی بر روی امنیت اجتماعی نخواهد داشــت، بلکه به دلیل حذف سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی قبلی که در این مناطق وجود داشــته است، به ناامن شــدن بیشتر جامعه دامن خواهد زد. حل مسئله ناامنی در سکونتگاه‌های غیررســمی نیازمند تحلیل و شناســایی دقیق عوامل ناامن کننده در این مناطق و سیاست گذاری‌های ملی و محلی برای رفع آن‌ها است. در کنار سیاســت‌هایی همچون تخریب و جابه‌جایی، از ابتدای دهه ۸۰ رویکرد توانمندسازی در قبال این سکونتگاه‌ها اتخاذ شد که می‌توان آن را نقطه عطفی در سیاســت گذاری و برنامه ریزی‌های شــهری و رفاهی در این مناطق دانست. با توجه به توضیحات فوق اهمیت اقدامات توانمندسازی در ســکونتگاه‌های غیررسمی بیشتر جلب توجه می‌کند. متمرکز شدن بر روی مســائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهسازی کالبدی در این سکونتگاه‌ها، پیامدهای اثربخشی بر روی امنیت اجتماعی در این مناطق و حتی کل شهر دارد. چنین اقداماتی نوعی پیشگیری از مسئله و کاهش هزینه‌های اقدامات پلیسی جهت برقراری امنیت اجتماعی می‌باشد. چشم انداز آتی امنیت اجتماعی، چشم اندازی مبتنی بر علت یابی خواهد بود که در آن با بررســی علل جرم و ناامنی، ســعی در حل ریشه‌ای موضوع امنیت در شهرها خواهد نمود.

مرور متون و رویکرد تحلیلی: این بخش خود به سه قسمت مجزا تقســیم می‌شود که هر قســمت دربرگیرنده متغیرهای مورد نظر تحقیق است. امنیت اجتماعی که متغیر پذیرنده یا وابسته تحقیق است، در بخش اول معرفی می‌شــود. در قســمت دوم بحث مختصری از توانمندسازی (متغیر فعال یا مســتقل) و وضعیت ســکونتگاه‌های غیررسمی پرداخته می‌شــود و درنهایت در قسمت آخر در سطح نظری این گزاره‌ها به هم مربوط می‌شوند.

امنیت اجتماعی: اصطلاح امنیت اجتماعی نخستین بار توســط باری بوزان به کار گرفته شد و اساساً بر حول محور هویت و تهدیدات هویتی می‌چرخید. بــوزان معتقد بود که بقا و دوام هر جامعه منوط به حفظ هویت آن جامعه می‌باشد و هر عاملی که بتواند هویت اجتماعی افراد را به چالش بکشد، به عنوان تهدید امنیت اجتماعی محسوب می‌شــود. ارائه تعریفی از خود بوزان در این مورد مفید به نظر می‌رســد: «امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است».

به اعتقاد بســیاری از صاحب‌نظران از جمله (کلاهچیان،۱۳۸۴) امنیت اجتماعی محصول و برساخته اجتماعی است. در رویکردهای نوین از امنیت اجتماعی سخن به میان می‌آید و نشان دهنده شکل گیری آن در بطن جامعه و روابط ساختاری و غیرساختاری حاکم بر آن می‌باشد. این یک تحول مفهومی از امنیت می‌باشد، زیرا سال‌ها بر رویکردهای سفت و سخت در ایجاد امنیت تأکید می‌شد و برقراری امنیت را صرفاً حاصل فعالیت‌های قهر آمیز پلیسی در سطح جامعه می‌دانســتند. جهت تفکیک دقیق‌تر و ارائــه بحث منســجم‌تر از امنیت اجتماعی در راســتای این کار تحقیقی به رویکردهایی که درباره آن وجود دارد اشاره خواهیم کرد.

در مــورد امنیت اجتماعی دو رهیافت کلی وجود دارد، رهیافــت هویت محور و قدرت محور. رهیافت قدرت محور (رویکرد سلبی) به جــای تأکید بــر هویت، بــه صیانت مردم در مقابــل تهدیدات زیان بخــش و مخاطره نیفتادن حقوق انسانی توجه دارد، این رهیافت پوزیتیویستی اســت. بنابراین امنیت اجتماعی شامل دو بخش است که در عین حال مکمل یکدیگرند، ولی از تقدم زمانی برخوردارند، در واقع امنیــت اجتماعی در وهلــه اول باید زندگــی افــراد را تضمین نمــوده و خطراتی کــه امکان زندگی اعضای یــک جامعه را به

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.1.3.4]

مخاطره می‌اندازد، از میان ببرد و در وهله دوم کمـر به حفظ راه و روش زندگی آن‌ها ببندد (کلاهچیان، ۱۴۲:۱۳۸۴).

سکونتگاه‌های غیررسمی و توانمندسازی

در آغاز قرن بیست و یکم، از جمعیت بیش از ۶ میلیارد نفری جهـان، بیش از ۵۰ در صد در نواحی شهری زندگی می کنند که عمدتاً با تمرکز در شـهرهای میلیونی همراه اسـت. از سـوی دیگـر آمـار و ارقام از بدتر شـدن شـرایط فقر در جهان حکایت دارد (هبیتات، ۳۶:۲۰۰۳). مرکز اسـکان بشر ملل متحد در گزارشی تحت عنوان «چالش سکونتگاه‌های غیررسـمی»، با اشاره به سکونت یک میلیارد نفر در سـکونتگاه‌های غیررسمی جهان، این محـلات را نمـود فضایی و کالبـدی فقر و نابرابری تمرکز یافته در شهرها دانست (همان: ۲۶). همچنیـن در گزارش سـال ۲۰۰۸ خود بیـان می‌دارد که بیش از یک سـوم جمعیت شـهری در کشـورهای در حال توسـعه در سـکونتگاه های غیررسـمی به سـر می‌برند (هبیتـات، ۲۰۰۸). آمارهـا در ایران نیز نگران کننده اسـت، به طوری که حدود ۲۵ درصد از افراد شـهری در چنین سکونتگاه‌هایی که بیانگـر بدترین نوع اسـکان اسـت، روزگار می گذراننـد (ایراندوسـت و صرافی، ۱۳۸۶، ۲۰۹). با توجه به گستردگی حاشیه نشینی در سطح جهان و نیز در ایران در ادامه به توصیف و تبیین این پدیده و نیز تشریح نظریه‌های امیل دورکیم، رابـرت مرتن و لـی و همکارانش دربـاره عوامـل شـکل‌دهنده حالت‌هـای آنومیـک و ناامن کننده به ویژه در این مناطق می‌پردازیم. این گشایش نظری درباره امنیت اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی ارتباط وثیقی با طرح‌های توانمندسـازی و بهسازی در ایـن مناطـق خواهد داشـت، بـه عبارت دقیق‌تر، توانمندسـازی نسخه تجویزی امنیت اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی است. توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهسازی شهری از جمله چهار شاخص اصلی در طرح‌های توانمندسازی محسوب می‌شوند.

مفهوم توانمندی (قابلیت) اولین بار توسط پروفسور آمارتیا سن (۱۹۸۵) برنـده جایزه نوبل اقتصاد در سـال ۱۹۸۸ مطرح گردید. سـن قابلیت یا توانایی را به معنای آنچه که واقعاً مردم قادر به انجام دادن آن هستند تعبیر می کند. بنابراین «چه بودن» و «چه کردن» انسان‌ها اهمیت محوری ندارد، آنچه اهمیت دارد توانائی بالقوه افراد است برای انتخاب متفاوت از آنچه هستند و آنچه انجام می‌دهند. به عبارت بهتر وضعیت اجتماعی–اقتصادی افراد باید محصول یک انتخاب باشد نه اجبار (محمودی و صمیمی فر، ۱۲ :۱۳۸۴). توانمندسـازی مفهومی اسـت که در بطـن معنایی خود با مفاهیم دیگری همچون خودیاری، مشـارکت، داشتن حق حاکمیت و همکاری‌های شـبکه‌ای عجین شده است. توانمندسازی فرآیندی است کـه به باز توزیع منابع و قدرت جهت یاری رسـاندن به فقرا و آن‌ها که از چرخه‌های پیشرفت بازمانده‌اند، یاری می‌رساند. توانمندسازی با تغییر ماهیـت ذهنی بی قدرتی در افرادی کـه از چرخه‌های حرکت و تعالی جای مانده‌اند، چشـم انداز جدیدی را در برابر آن‌ها می گشـاید که به رشد شناخت و تأثیرگذاری آن‌ها کمک می‌نماید (مالهاترا، ۲۰۰۲، ۵ و فارست، ۱۹۹۹، ۱۰۱ و ۱۰۲).

امنیت اجتماعی و سکونتگاه‌های غیررسمی: دورکیم از جمله نظریه پردازانی است که در مورد حالت‌های گذار از جوامع مکانیکی به ارگانیکی و به هم ریختن نظم اجتماعی قبلی در این جوامع بحث نموده است. آنچه که از گفته‌های دورکیم به ویژه کتاب «تقسیم کار» برداشت می‌شود، از دست رفتن هنجارهای مشروعیت بخش گذشته در جوامع در حال گذار و عدم جایگزینی آن‌ها با هنجارهای جایگزین است. به عبارت بهتـر، «فقدان کدهای اخلاقی» تهدیدی بـرای ثبات و امنیت اجتماعی جوامع است (کوثری و نجاتی حسینی، ۴۵:۱۳۸۸). رابرت مرتن در مورد عوامـل ناامن کننده جوامع نه به فقدان کدهای هنجار بخش در جوامع، بلکه به «عدم تناسـب هنجاری» اشاره می‌نماید (عدم تناسب هنجاری به وضوح در سکونتگاه‌های غیررسمی قابل رؤیت است). از نظر او آنومی و بروز رفتارهای ناامن کننده جامعه وقتی است که هنجارهای اجتماعی (همـان ابزارها در نظریه مرتن) برای دسـت‌یابی به اهـداف (ارزش‌ها) تشویق شـده توسط جامعه کارایی ندارند (همان:۴۱-۴۳). مدل «سیستم بلوک‌های مرتب» لی و همکارانش نیز از جهت تبیین ناامنی اجتماعی و به ویژه در سکونتگاه‌های فقیرنشین شهری نیز حائز اهمیت بسیاری است. «سیستم بلوک‌های مرتب» از سه بلوک تشکیل شده است که هر بلوک نتیجـه بلوک قبلی و اثرگذار بر بلوک بعدی اسـت. بلوک اول «پایگاه اجتماعی– اقتصادی» نامیده می‌شـود و نشانگر محرومیت مطلق و نسبی افراد و نیز ناسـازگاری منزلتی آن‌ها در این بلوک است. بلوک دوم «بی ثباتی اجتماعی» اسـت که با ناخشنودی، بی اعتمادی و بدبینی مشخص می‌شود. بلوک سوم نیز «واکنش سیستم» است که شکل گیری رفتارهای

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.1.3.4]

آنومیک و ناامن شـدن جامعه در همین بلوک قرار دارد که خود نتیجه بلوک‌های قبلی است (همان:۵۰-۵۴).

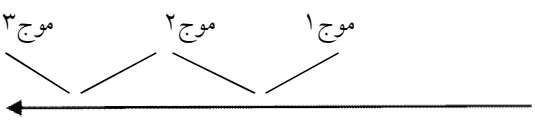
نظریه‌های دورکیم، مرتن و لی به دلیل توصیف دقیق از شـرایط ناامن کننده در جوامع به ویژه در مورد مناطق حاشیه نشین شهری، کارایی زیادی دارند. به این دلیل که حاشیه نشینان شهری از ابعاد مختلف زندگی یعنی کالبدی (مسکن ناهنجار و فضاهای نامناسب شهری)، خدمات اجتماعی و فرهنگی (رفتار اجتماعی جدا از جامعه شـهری) و اقتصادی (اشتغال و درآمد) متمایز می‌شـوند. نبود وسایل کارکردی در جهت دست‌یابی به اهداف زمینه را برای انتخاب وسایل غیر مشروع و غیرقانونی در میان این افراد فراهم می‌کند و اتخاذ هر سیاستی برای پایه‌گذاری امنیت اجتماعی در این سـکونتگاه ها بایسـتی برآورده کردن نیازهای پایه‌ای و وسایل کارکردی برای دست‌یابی به اهداف را در نظر داشته باشد.

حاشیه نشینی در بطن خود نوعی حاشیه نشینی اقتصادی به معنای اشتغال در بخش غیررسمی و عدم جذب در نظام اقتصاد شهری را به دنبال دارد (نقدی، ۱۳۸۵ :۲۲۳). حاشـیه نشـینی پدیده‌ای درهم تنیده و پیچیده از مسـائل اجتماعی است که ناکارآمدی اقتصادی بخشـی از آن است و صورت‌های مخرب‌تری همچون تنش‌هـای هویتی- فرهنگی را در بر می‌گیرد. همان‌طور که صدیق سروستانی (۱۳۷۶) بیان می‌دارد: «حاشیه نشـین به دو نظام فرهنگی (روستایی و شـهری) وابسته است و در عین حال به هیچ یک تعلق و تمایل ندارد. در حاشـیه بودن به گسیختگی از نظام ارزشی پیشین و احساس رهایی نسبی از یوغ کنترل اجتماعی منجر می‌شود و نوعی عدم انسجام و همبستگی را به وجود می‌آورد که علاوه بر افزایش استعداد و قابلیت رشد آسیب‌های اجتماعی، سـبب اختـلال در نظـم و امنیت عمومی می‌شود» (به نقل از نقدی،۱۳۸۵:۲۲۸). علاوه بر شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اسکان غیررسمی را می‌توان مشمول استبداد فضا دانست، زیرا در اسکان غیررسمی نه تنها شرایط تاریخی و اجتماعی و اقتصادی، بلکه شرایط موجود جغرافیایی یا فضا مانع دست‌یابی ساکنان به حقوق اجتماعی، فعالیت‌های متنوع اقتصادی، تحصیلات مناسب و غیره می‌شود (اطهاری،۱۳۸۱: ۲۷). در مجموع می‌توان بیان کرد کـه حیات حاشیه‌نشـینان در حوزه‌های گوناگـون اجتماعی، اقتصـادی، فرهنگی و فضایی آمیخته با ناکارآمدی اسـت که زمینه را بـرای شـکل گیری رفتارهـای نابهنجار و ناامن شـدن جامعه فراهم می‌کنـد. خروج از چرخه‌های فقر فرهنگی، فقـر اقتصادی، فقر اجتماعـی و فقر فضایی به یک راهکار جامع و مشـارکتی نیازمند است. حرکت تدریجی برای خـروج از چرخه‌های مذکور، بر امنیت اجتماعی که محصول همین چرخه‌ها اسـت، تأثیرات قابل توجهی خواهد گذاشت.

روش

روش تلفیقی با اولویت و محوریت روش کیفی در این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحقیق کمی و کیفی در اینجا به منظور بدست آوردن تصویر کلی‌تر از موضوع مورد مطالعه با یکدیگر تلفیق می‌شود. در زمینه چگونگی تلفیق این دو روش، حالت دوم از چهار الگوی روش شناختی مایلز و هوبرمن در مورد روش‌های ترکیبی، بسیار نزدیک به شیوه اتخاذ شده برای انجام پژوهش در این تحقیق می‌باشد. در این حالت مشاهدات مستمر میدانی و انجام پیش مصاحبه اولیه، زمینه را برای موج‌های پیمایش کمی فراهم می‌کند. در این تحقیق این موج‌ها از طریق روش پیمایشی و استفاده از دو ابزار مهم در پیمایش یعنی مصاحبه‌های انفرادی و پرسشـنامه ساختمند استفاده می‌شود. کار اصلی و پیشبرد تحقیق در اصل متکی به روش کیفی اسـت که موج‌های روش کمی تنها به غنای آن کمک می‌کند و نه اینکه کار کمی مسـتقلی مطرح باشد (فلیک،۱۳۸۷: ۴۰). در پرسشنامه بیشتر از همه بر روی تغییرات در شاخص‌های امنیت اجتماعی و عوامل کلی اثرگذار بر آن تأکید می‌شود. در اینجا بر روی مهم‌ترین شاخص‌های امنیت اجتماعی یعنی امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت هویت، امنیت ناموسی تاکید شده است.

ابزار پژوهش: ابزار پیشـبرد روش کیفی، مصاحبه گروهی اسـت و جامعه آماری کلیه افراد بالای ۲۴ سـال است که قبـل از سـال ۱۳۸۴ تاکنـون در منطقـه دولت‌آباد سـاکن بوده‌انـد. مصاحبه‌ها حول محـور روند تغییـرات در چهار حوزه توانمندسازی یعنی توانمند شدن اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهسـازی کالبدی و نیز تغییرات در شاخص‌های



[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.1.3.4]

امنیت اجتماعی در طی ۶-۷ سال گذشته که طرح توانمندسازی در این منطقه شروع شده است، خواهد چرخید. تعداد نمونه‌های تحقیقی هشت گروه است و تعداد افراد هر گروه متغیر بین شش تا نه نفر و متناسب با شرایط و امکانات برای امکان انجام مصاحبه می‌باشد. دامنه نمونه گیری در روش‌های کیفی تا حدی است که به اشباع نظری برسیم و اشباع نظری در اینجا به این معنا است که بر اثر مصاحبه‌های گروهی و انفرادی متعدد در مورد موضوع اصلی پژوهش و فرضیه‌های تدوین شده اطلاعات دیگری حاصل نشود (فلیک، ۱۳۹:۱۳۸۷). متغیر مستقل در این تحقیق، توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی است و متغیر وابسته، امنیت اجتماعی می‌باشد.

یافته‌ها

با توجه به انتخاب روش‌های ترکیبی برای انجام این تحقیق، یافته‌های حاصل شده نیز به صورت تلفیقی ارائه می‌شود. بخشی از یافته‌ها بر اساس مطالعات اسنادی و گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و مصاحبه با مسئولین دبیرخانه توانمندسازی است و قسمت مهم‌تر آن به کارهای میدانی در سکونتگاه دولت‌آباد مربوط می‌شود. جهت نظم دهی منطقی به دستاوردهای تحقیق، روند تغییرات توانمندسازی در چهار حوزه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهسازی کالبدی- فضایی و روند تغییرات در امنیت اجتماعی در چهار شاخص امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت ناموسی و امنیت هویت بررسی می‌شود. در دسته‌بندی موضوعی زیر، سعی شده به ارتباط میان متغیر مستقل و وابسته بر اساس فرضیه‌های مطرح شده در این تحقیق پاسخ داده شود.

سکونتگاه‌های غیررسمی کرمانشاه و تشریح پروژه توانمندسازی: در کرمانشاه ۱۳ سکونتگاه غیررسمی شناسایی شده است که عبارتند از: صادقیه، جعفرآباد، شاطرآباد، چقاگلان، نوکان، چقاکبود، باغ ابریشم، حکمت آباد، آناهیتا (شهید باهنر)، دولت آباد، وکیل آباد (کولی آباد)، چمن و دره‌دراز. سکونتگاه‌های غیررسمی کرمانشاه به سه شکل متفاوت گسترش یافته‌اند؛ سکونتگاه‌هایی مانند دولت آباد، جعفرآباد، کولی آباد و زورآباد از قبل وجود نداشته‌اند. نوع دوم، روستاهای واقع در محدوده شهر، به ویژه در مبادی شهر بودند که به تدریج تبدیل به نواحی مهاجرنشین شدند؛ نوکان در ورودی شمال غربی شهر از محور بیستون، چقاکبود در محور سنندج و چقاگلان در شرق شهر از جمله این روستاها می‌باشند. نوع دیگر این سکونتگاه‌ها، بافت‌های فرسوده مرکز شهر می‌باشد که به دلیل ارزانی زمین و ساختمان، مقصد مناسبی برای مهاجران بوده و بافت‌های متداخلی با ساکنان قبلی این مناطق به وجود آورده است (مطالعات توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر کرمانشاه،۱۳۸۳:۷).۱۳ سکونتگاه مذکور در سال ۱۳۸۲ بیش از ۲۷۰ هزار نفر یعنی حدود ۳۶ در صد از جمعیت کرمانشاه را تشکیل می‌دهند و مساحت کلی این سکونتگاهها ۷۳۹ هکتار می‌باشد. ۸۰ درصد از سکونتگاه‌های غیررسمی در کرمانشاه در داخل محدوده شهرها قرار دارند. آخرین آمار که توسط دبیرخانه توانمندسازی کشور در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است، حکایت از آن دارد که جمعیت ساکن در سکونتگاههای غیررسمی کرمانشاه به رقم ۳۹ در صد هم رسیده است که نشان دهنده وضعیت بحرانی سکونتگاه‌های غیررسمی در کرمانشاه می‌باشد. شهر کرمانشاه دومین شهر کشور بعد از سنندج (سند توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی کشور، ۱۳۸۴) از حیث درصد جمعیت ساکن در سکونتگاه های غیررسمی می‌باشد و در شروع مطالعات اولیه سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران به عنوان یکی از شهرهای پیلوت جهت اجرای طرح‌های توانمندسازی برگزیده شد. از میان ۱۳ سکونتگاه نام برده شده در کرمانشاه، چهار سکونتگاه جعفرآباد، شاطرآباد، دولت آباد و کولی آباد که بزرگ‌ترین سکونتگاه‌های غیررسمی کرمانشاه نیز می‌باشند جهت انجام پروژه‌های توانمندسازی انتخاب شدند.

همان‌طور که در این جدول مشخص است میزان تراکم ناخالص در دولت‌آباد کمتر از سایر سکونتگاه‌های هدف می‌باشد و این خود حکایت از وضعیت بهتر تراکمی در دولت‌آباد دارد. چند دلیل مشخص برای انتخاب این سکونتگاه وجود

جدول ویژگی‌های جمعیتی و مساحت محلات هدف

نام محله	جمعیت	مساحت	تراکم ناخالص (نفر در هکتار)	سهم از کل جمعیت محلات دارای اسکان غیر متعارف (درصد)
شاطر آباد	۵۷۱۷۳	۱۲۹/۵	۴۴۱/۵	۲۹/۲
کولی آباد	۳۲۹۷۶	۷۰/۸۳	۴۶۵/۵	۱۶/۹
دولت آباد	۴۴۰۹۵	۱۱۲/۷۶	۳۹۱۰۵	۲۲/۵
جعفر آباد	۶۱۴۵۵	۱۲۱۰۰۵	۵۰۷/۹	۳۱/۴
کل	۱۹۵۶۹۹	۴۳۴/۰۹	۴۵۰/۸	۱۰۰

منبع: دبیرخانه توانمندسازی کشور، ۱۳۸۵

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.1.3.4]

دارد:

۱. اجـرای طـرح توانمندسـازی در ۴ سـکونتگاه از میان ۱۳ سـکونتگاه غیرسمی کرمانشاه که دولت آباد یکی از آن‌هاست.

۲. تنـوع قابل ملاحظه جمعیتـی و قومی و مذهبی در این سکونتگاه که تا حدی امکان کنترل متغیرهای مداخله‌گـر را برای محقق فراهم آورده اسـت (لازم به ذکر است که ۳ سـکونتگاه دیگر از این لحاظ قابل مقایسه با دولت آباد نیستند).

۳. آشنایی محقق با چند فرد صاحب نفوذ و کلیدی (توجه به این نکته ضروری اسـت که انجام تحقیق بدون چنین افرادی در این مناطق کاری خطرناک و تا حدی غیرممکن است).

مطالعـات اولیه این سـکونتگاه‌ها توسـط مهندسین مشـاور تدبیرشـهر در سال ۱۳۸۳ بـه اتمـام رسـید و در سـال ۱۳۸۴ پـروژه توانمندسـازی در این چهـار منطقه وارد فاز اجرایی شد. در این راستا پروژه‌های مختلف کالبـدی، اجتماعـی، اقتصـادی و مدیریتی مورد توجه قرار گرفت که ارتقای خدمات و زیرساخت‌های محلات و نیز مشخص کردن مالکیـت زمین و سـاختمان، پروژه‌هایی در ارتباط با ساماندهی نهادهای اجتماعی، ایجاد و تقویت شوراها و NGOها پیشنهاد گردید. در حوزه اقتصاد، پروژه‌هایی در قالب تشکیل تعاونی‌هـای تولیـد، آموزش حرفـه و کار، ایجاد شبکه مشاغل خانگی و... در این مناطق مورد توجه قرار گرفت. ۶۷ پروژه خدماتی، ۳۲ پروژه زیرسـاختی، ۶۷ پروژه اجتماعی، ۳۶ پـروژه اقتصـادی و در مجمـوع ۲۱۲ پـروژه در چهار منطقـه فوق‌الذکر در نتیجه مطالعات صورت گرفته به تصویب رسید که در یک دوره پنج سـاله یعنی تا حدود سـال ۱۳۹۰ مراحل اجرایی آن‌ها به اتمام می‌رسید (مطالعـات توانمندسـازی سـکونتگاه های غیررسمی شهر کرمانشاه، ۱۳۸۳: ۱۵).

توانمندی اقتصادی و امنیت اجتماعی:

در سـکونتگاه غیررسـمی، چندین مداخله اقتصادی سـبب بهبود یافتن نسبی وضعیت معیشت در این منطقه شده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به احداث بازارچه خرید و فروش، سـاخت مرکز فنی و حرفه‌ای، آمـوزش مهارت‌هـای حرفه‌ای برای بانوان اشـاره کرد. این نوع مداخله محصول مداخلات مشخص ستاد توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی استان بوده است. علاوه بر این مداخله‌های مشـخص، راه یافتن جوانان به آموزش عالی و بهبود وضع اقتصادی در اثر این عامل و توجه بیشتر به گسترش بازارهای رسمی و غیررسـمی تا حدودی موجب بهبود وضعیت اقتصادی و معیشـتی در این منطقه را فراهم نموده اسـت. با این وجود، توانمندی اقتصادی در دولت آباد چه به صورت مداخلات مشـخص در این چند سـال و چه خارج از برنامه‌ریزی‌های مشـخص برای این منطقه را نمی‌توان مثبت ارزیابی کرد. بیکاری و مشـاغل کاذب هنوز هم در دولت آباد پایدار می‌باشد و نمی‌توان از تغییرات گسترده اقتصادی در این سکونتگاه نام برد. با اینکه یکی از اهداف و چشـم اندازهای طرح‌های توانمندسازی تحول بخش اقتصادی و توانمند نمودن افراد ساکن در این سکونتگاه‌ها جهت ورود به بازار کار می‌باشـد، به اعتقاد بسیاری از افراد ساکن در دولـت آباد هنوز هم وضعیت اقتصادی در این مناطق چندان مناسـب نیسـت و نمی‌توان گفـت که تأثیرات پروژه توانمندسـازی در دولت آباد تا لحظه انجام این تحقیق چشـمگیر بوده اسـت. در مصاحبه‌های صورت گرفته با سـاکنین دولت‌آباد تقریباً همه آن‌ها معتقد بودند که رونـد تغییرات اقتصـادی خانوارها در این منطقه بـه طور کلی مثبت نبوده اسـت. در این بین نظر آن‌ها در مورد تغییـرات در میزان درآمد خانوارها، میزان پس‌انداز، میزان اشـتغال زایی، افزایش قدرت خرید و میزان حرفه آموزی و سـایر موارد مثبت نمی‌باشد. بسیاری از افراد در خانوارهای دولت آباد که سـال‌ها از سن اشتغال آن‌ها گذشته است از طریق سـربار شـدن بر روی در آمد یک نفر از اعضای خانوار گذران زندگی می‌نمایند.

از آنجایی که تحولات اقتصادی در این دوره چشم‌گیر نبوده است، نمی‌توان از آن به عنوان عامل تأثیر گذار جدی بر روی شـاخص‌های امنیت اجتماعی نام برد؛ هـر چند این گفته به معنای عدم تأثیرگذاری حوزه اقتصاد و بهبود وضعیت اجتماعی در این سـکونتگاه ها بر روی امنیـت اجتماعی نمی‌باشـد، به خصـوص که اقتصاد بـه عنوان یک زیرساختار بنیادی همواره بر روی شئونات حیات انسانی و قطعاً امنیت اجتماعی اثرگذار خواهد بود. با این حال آنچه که می‌توان در این مورد خاص گفت آن است که در نتیجه پژوهش‌های صورت گرفته در میدان تحقیق و با تحلیل و بررسی نتایج مصاحبه‌های صورت گرفته نمی‌توان به رابطه علی دقیقی بین دو متغیر توانمندی اقتصادی و امنیت اجتماعی رسید. هر چند تأثیرات خفیف ارتقای وضعیت اقتصادی دارای اثراتی بر روی شاخص امنیت مالی و جانی بوده است. شاخص امنیت جانی در

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.1.3.4]

مواردی که ایجاد تهدیدات جانی به منظور سرقت از افراد بوده است، روندی نزولی داشته است. به تغییرات امنیت ناموسی و امنیت هویت در اثر این تغییرات اشاره‌ای نشده است.

توانمندی اجتماعی و امنیت اجتماعی: برای توضیح و تبیین تغییرات صورت گرفته در حوزه اجتماع، توانا شدن در این مورد را به دو بخش سخت افزاری و نرم افزاری دسته بندی می کنیم. منظور از تحولات سخت افزاری، هر نوع تغییری در فضا و کالبد سکونتگاه دولت آباد می‌باشد که موجب گسترش تعاملات اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی افراد شده است. تحولات سخت افزاری بخش مشهودتر و ملموس‌تر توانمندسازی اجتماعی می‌باشد. تحولات نرم افزاری بخش نامرئی و پنهان در روندهای اجتماعی، گسترش تعاملات اجتماعی ساکنین و افزایش سرمایه‌های اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی در این سکونتگاه است. آنچه که می‌توان در مورد توانمندی اجتماعی در سکونتگاه ها دولت آباد گفت استمرار وضعیتی دوگانه می‌باشد؛ دوگانگی بین بخش سخت افزاری توانمندسازی و مشارکت اجتماعی افراد و بَخش نرم افزاری و غیر مشهود آن. در طی این دوران، توجه به سازمان‌ها و انجمن‌های محلی و تشکیلات شورایی در محلات مورد غفلت واقع شده است، و به جزء موارد معدودی همچون ایجاد سالن‌های ورزشی و نیز گسترش اماکن مذهبی در این قسمت کار مدون و مشخصی صورت نگرفته است. این موضوع، هیچ تقارن و تفاهمی با گسترش بخش پنهان و زیرین حوزه توانمندی اجتماعی ندارد. بخش نرم افزاری توانمندی اجتماعی در این دوران یک بخش بالنده و مناسب بوده است و دامنه تعاملات اجتماعی از شبکه‌های قومی و مذهبی و همسایگی گذر کرده و با درهم شکستن شبکه‌های بسیار منزوی و بسته قبلی در صدد از نو ساختن شبکه‌های تکامل یافته‌تر و گسترده‌تر می‌باشد.

با توجه به این تقسیم بندی از توانمندسازی اجتماعی، می‌توان افزایش میزان امنیت اجتماعی را بیشتر به همان حوزه نرم افزاری توانمندسازی اجتماعی مرتبط دانست تا حوزه سخت افزاری آن. هر چند در دیالکتیک پیچیده اجتماعی بین تغییرات فضایی و اجتماعی نمی‌توان از تأثیر گذاری تغییرات کالبدی در این منطقه و به ویژه بهسازی کالبدی و ایجاد مکان‌های جدید فرهنگی- اجتماعی بر بهبود روابط اجتماعی چشم پوشید. به هر حال تغییراتی که در حوزه اجتماعی در این سکونتگاه روی داده است، اثرات قابل توجهی بر روی شاخص‌های امنیت اجتماعی گذاشته است. این تغییرات در حوزه اجتماعی سبب شکل‌گیری سرمایه‌های اجتماعی درون گروهی (به شکل مثبت) و برون گروهی در میان ساکنین شده است. گسترش شبکه‌های ارتباطی غیررسمی و تشکیلات زیر ساختاری شبکه‌ای نیز از عوامل بسیار مهم اثر گذار بر روی امنیت اجتماعی است. این تشکیلات زیر ساختاری شبکه‌ای که بین افراد در محله‌های دولت آباد وجود دارد و در اکثر موارد نیز افراد به آن اشاره نموده‌اند به مانند یک پلیس قوی و مخفی که کارکرد آن بسیار اثربخش‌تر از شکل‌های آشکار پلیسی می‌باشد، عمل می‌نماید. با توجه به اینکه انزوا و گوشه‌گیری افراد از عوامل بسیار مهم در ارتکاب جرم و ناامنی اجتماعی است هر عاملی که بتواند موجب افزایش مشارکت افراد و احساس تعلق جمعی شود، از آن می‌توان به عنوان عامل تقویت کننده امنیت اجتماعی نام برد. در کل توانمند شدن اجتماعی افراد بر روی همه شاخص‌های امنیت اجتماعی و به ویژه امنیت ناموسی و امنیت هویت اثر مثبت داشته است. از دلایل اثرگذاری بر روی امنیت ناموسی، حضور زنان و مشارکت در فرآیندهای اجتماعی و شکستن فضای بیمارگونه قبلی در این سکونتگاه بوده است. امنیت هویت نیز به دلیل احساس تعلق جمعی به گروه‌های اجتماعی و داشتن حس تعلق به سایر افراد در اثر مشارکت درون گروهی و برون گروهی افزایش یافته است.

توانمندی فرهنگی و امنیت اجتماعی: دولت آباد در طی سالیان اخیر در زمینه گسترش فرهنگ شهری و شاخص‌های فرهنگی روند مناسبی داشته است. در حالیکه بخش اقتصاد به عنوان یک زیر ساختار اساسی، رشد متناسب و معقولی نداشته است، بخش فرهنگ به نسبت با یک جهش خیره کننده مواجه بوده است و این را در بسیاری از مؤلفه‌های فرهنگی می توان ملاحظه کرد. طی سالیان اخیر و به ویژه با مداخلات صورت گرفته چندین مکان فرهنگی و شبه فرهنگی شکل گرفته است که در تغییر سبک زندگی افراد در سنین مختلف در این منطقه نقش داشته است. منظور از به کار بردن اصطلاح «مراکز شبه فرهنگی» در اینجا، اشاره به اماکنی همچون پارک‌ها و مهد کودک‌ها، مکان‌های ورزشی و غیره می‌باشد. این مراکز

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.1.3.4]

دارای کارکردهای انتقال فرهنگ می‌باشند.

آنچه که تا سال‌ها در سکونتگاهی مانند دولت آباد مشاهده می‌شد، شکل‌های خفیفی از وندالیسم اجتماعی و تخریب محیط زیست بود. به عنوان نمونه، تا مدت‌ها اگر هم چراغی درجایی نصب می‌شد و یا اینکه امکاناتی جهت بهبود وضعیت شهر در اختیار ساکنین دولت آباد قرار می‌گرفت، تخریب و یا به سرقت می‌رفت. در طی دوران اخیر، تحولات صورت گرفته به ویژه در حوزه فرهنگ مانع از انجام چنین کارهایی شده است. افزایش حس تعلق به شهر، مانع از انجام اعمالی می‌شود که افراد را به تخریب اماکن عمومی وادار می‌نماید. احترام به محیط زیست نیز به عنوان یک امری که پیامد فرهنگ شهرنشینی است در این دوران رو به رشد بوده است. بسیاری از مصاحبه شوندگان اعتقاد دارند که ساکنان محلی به نسبت دوره‌های گذشته به حفظ و نگه داشت محیط زیست خود حساس می‌باشند و حتی در این راه تمایل به همکاری با سازمان‌های محلی و دولتی را دارند. در بسیاری از موارد مردم محلات به صورت خودجوش اقدام به بهبود مسائل زیست محیطی خود نموده‌اند که بارزترین آن دفع زباله‌ها با همکاری اهالی محل در چند سال گذشته در چندین محله دولت آباد بوده است.

علاوه بر فرهنگ توجه به محیط زیست، در تعامل اجتماعی نیز دولت آباد شاهد تغییرات مثبت فرهنگی بوده است. این تعاملات فرهنگی هم جنبه درون منطقه‌ای و هم جنبه برون منطقه‌ای یافته است؛ هر چند تعاملات درون گروهی به نسبت هنوز هم قوی‌تر است. بر اساس اطلاعات بدست آمده، احترام به حقوق همدیگر در روابط همسایگی و نیز در مکان‌های عمومی در درون منطقه، روندی افزایشی داشته است و سبک روابط اجتماعی از حالت ساده و غیر تکاملی به سبک جدید و مدرن شبه شهری متمایل شده‌است.

توانمندی فرهنگی و تغییرات در آن را می‌توان مهم‌ترین عامل اثر گذار بر تغییرات امنیت اجتماعی دانست. در مصاحبه‌های به عمل آمده تقریباً همه افراد به یک عامل فرهنگی که در چند سال گذشته دولت آباد موجب افزایش امنیت اجتماعی شده است، اشاره کرده‌اند. هیچ کدام از عوامل مداخله‌هایی که در اینجا ذکر شده است به اندازه تحول در حوزه فرهنگ بر روی شاخص‌های امنیت اجتماعی اثر نداشته است؛ فرهنگ و توانمندی‌های این حوزه دارای تأثیرات بسیار نیرومند بر امنیت اجتماعی است. مذهب به عنوان یک عامل وحدت بخش و نیز با ارائه کدهای هنجاربخش به مؤمنان به عنوان یکی از عناصر هویت‌ساز هویتی-فرهنگی محسوب می‌شود. آنچه برای این تحقیق اهمیت دارد میزان تغییرات در پایبندی به مراعات اصول فردی و اجتماعی دین است. اکثر افراد دولت آباد مسلمان و معتقد به رعایت چارچوب‌های تعیین شده از طرف مذهب هستند، مذهب یک «دستگاه خود کنترلی» منظم است که رفتار و تفکر مؤمنان را کنترل می‌نماید. وآنان را ارتکاب اعمالی که تهدید کننده امنیت اجتماعی افراد باشد منع می‌کند. در دستگاه مذهبی اعمالی مانند قتل و تجاوز به جان انسان‌ها، دزدی و تجاوز به ناموس انسان‌ها به عنوان اعمالی زشت مطرح است که افراد را به خودداری از آن‌ها تشویق می‌نماید. علاوه بر این، افزایش گرایش‌های دینی و مذهبی در این دوره سبب شده است که دیگر نتوان از هویت معلق در میان ساکنین این سکونتگاه غیررسمی نام برد، بلکه آن‌ها به هویتی مشخص و با ثبات به نام هویت دینی از نوع اسلامی تعلق دارند.

بهسازی کالبدی-فضایی و امنیت اجتماعی: دولت آباد در طی چند سال اخیر مسیر تکامل کالبدی و فضایی را به خوبی طی کرده است و نمی‌توان از آن به عنوان سکونتگاه غیررسمی و یا حاشیه نشین و یا هر عنوان دیگری نام برد (هر چند عنوان سکونتگاه غیررسمی را هنوز به یدک می‌کشد). دولت آباد نمونه‌ای از یک سکونتگاه امید می‌باشد که روز به روز از جهت کالبدی و بهبود فضاهای زیستی رو به پیشرفت می‌باشد. سیستم‌های مکانیزه جمع‌آوری زباله، جدول گذاری خیابان‌ها و نیز بهسازی معابر عمومی نیز از جمله اقدامات مناسب در این دوران می‌باشد. روشنایی معابر و خیابان‌ها تا حد زیادی مناسب شده است و ساکنین دولت آباد اکنون در زیر یک شهر نورانی‌تر به حیات خود ادامه می‌دهند. گسترش پارک‌ها و فضای سبز در طی دوران اخیر چهره مناسبی به این سکونتگاه داده است. تأسیس بانک‌ها و گسترش مراکز دولتی و غیر دولتی و نیز تأسیس پاساژ و مغازه‌های بزرگ و با امکانات بیشتر از جمله دیگر این تغییرات کالبدی است. اما یکی از مهم‌ترین تغییرات که اثرات اقتصادی نیز بر روی منطقه داشته است، ایجاد بازارچه خرید و فروش در چهل متری بوده است. ساماندهی

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.1.3.4]

دست‌فروشـان کـه قبـلاً در نزدیکی همان منطقه چهره نامناسبی به شهر داده بوده‌اند از جمله نکات مثبت در بهبود فضای شهری در این منطقه بوده است.

فضا به موضوعی بسـیار مهم در مباحث و نظریه پردازی‌های اخیـر علوم مختلف و به ویژه علوم انسانی بدل شده است. در این بین آنچه که برای این بخش از کار واجد اهمیت است، اثرات کارکردی و کژ کارکردی فضا بر روی مناسـبات اجتماعی است. شهرها به عنوان مکان‌هایـی که تولید کننده فضاهایی با کارکردهای متفاوت هسـتند بیش از همه مـورد توجه قرار دارند؛ در واقع توجه به موضوع فضا، اساسـاً بر روی نقاط شهری متمرکز است. با توجه به اینکه امنیت اجتماعی محصولی اجتماعی است که از فضاهای شهری نشأت می گیرد، هر گونه تغییر در فضاهای شهری بر روی امنیت اجتماعی اثر گذار است. فضاهای شهری دارای بسترهای مساعد کننده بر روی امنیت اجتماعی و ناامنی هستند. در این تحقیق شاهد اثرات ملموس این تغییرات فضایی بر شاخص‌های امنیت اجتماعی و به ویژه امنیت مالی، جانی و ناموسی هستیم. بر اساس مصاحبه‌های به عمل آمده بسیاری از تغییرات و به ویژه چراغانی شدن معابر و خیابان‌ها و پارک‌ها و نیز بهبود فضاهای شهری، امکان ارتکاب جرم و حضور مجرمان در نقاط شهری را به دلیل کم شدن فضاهای کور شهری کاهش داده است.

بحث و نتیجه گیری

این کار تحقیقی ضمن اینکه از دستاوردهای سایر محققان در زمینه‌های مختلف بهره گرفته است موضوعی تلفیقی و تا حدی می توان گفت منحصربفرد را برگزیده است که به شکل دقیق نمی‌توان نتایج آن را با تحقیقات قبلی مقایسه کرد هرچند تحقیق ساروخانی و نویدنیا (۱۳۸۵) «امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت»، که تأثیر مثبت فضاهای شهری بر امنیت اجتماعی را منعکس می‌سازد با بخشی از نتایج بهبود فضا و آثار آن بر ارتقای امنیت اجتماعی همسو است. نتایج بسیاری دیگر از تحقیقات قبلی تا حدی با برخی از قسمت‌های این تحقیق همسویی مثبتی با این کار تحقیقی دارد که از جمله آنها خاتم، اعظم (۱۳۸۱) «سهم مردم، سهم دولت در طرح‌های توانمندسازی وبهسازی محله»، که تبیین کننده مشارکت مردم و نگاه از پایین به بالا به توانمندسازی است، تحقیق علاالدینی، پویا و همکاران(۱۳۹۰) «ارتقای وضعیت رفاهی اهالی سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران: بررسی برخی فعالیت‌های اصلی در سطح ملی و تجربهٔ بندرعباس» است. برخی تحقیقات نیز رویکردی منفی و نه چاره جویانه به مسئله ناامنی داشته است که بی شک این تحقیق وجه مشترک کمتری در نتایج بدست آمده با آن‌ها دارد.

نتایـج کارهای نظری رابرت مرتن و عدم کارایی وسـایل برای رسـیدن به اهداف کارکـردی از مهم‌ترین چارچوب‌های هدایت‌کننده تحقیق بوده است که اوج این بی‌تناسبی وسایل و اهداف را ما در سکونتگاه‌های غیررسمی شاهد هستیم. علاوه بر این کار دورکیم در زمینه علل بروز حالت آنومیک نیز راهنمای مناسبی برای کار ما بوده است و به ویژه تأکیدی که دورکیم بر افزایش حالت آنومی (برای تحقیق ما ناامنی) در جوامع دیاپازونی (در اینجا سکونتگاه غیررسمی) دارد.

حاشیه نشینی، بحران کنونی و آینده شهرهای ایران می‌باشد که همه حوزه‌های حیات شهری به ویژه امنیت اجتماعی را تحت شـعاع خود قرار خواهد داد. سـکونتگاه‌های حاشیه‌ای شهرها به دلیل تمرکز و حجم گسترده مسائل و مشکلاتی که در آن‌ها وجود دارد، استعداد بالقوه‌ای برای ناامن کردن شهرها دارند. تا سال‌ها موضع گیری در قبال این سکونتگاه‌ها به ویژه در موضوع امنیت اجتماعی با سیاست‌هایی همچون تخریب و جابه‌جایی به دیگر نقاط شهری همراه بوده است. این سیاست‌های عقیم و شکست خورده نه تنها کمکی به موضوع امنیت اجتماعی به شکل خاص در این سکونتگاه‌ها و به شکل عام در همه نقاط شهری ننمود، بلکه با قطع سـرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی قبلی این سـاکنین بر بحران ناامنی می‌افزود. در طی سال‌های اخیر اتخاذ رویکرد توانمندسازی در این سکونتگاه ها به جای رویکردهای قبلی، طلیعه درخشانی در سیاست گذاری‌ها و برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شود. توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان یک پارادایم جدید مطرح است که در عرصه‌های جهانی نسـبت به سایر رویکردها موفقیت و اقبال به مراتب بیشتری را کسب نموده است. توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی با اثرگذاری بر روی شـرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی-فضایی به بنیان نهادن شـرایط امنیت اجتماعی کمک می‌نماید، واقعیت امر آن است که حیات حاشیه‌نشینان از ابعاد چهارگانه فوق‌الذکر با کاستی‌ها و ناکارآمدی‌هایی همراه است که شرایط را برای ناامن کردن جامعه فراهم می‌نماید. هر اندازه تغییر در هر کدام از حوزه‌های مذکور با تأثیرهای مضاعف بر روی شاخص‌های امنیت اجتماعی همراه می گردد.

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.1.3.4]

بااینکه انتخاب یک سکونتگاه به تنهایی نمی تواند باز گو کننده مداخله‌های صورت گرفته در دیگر سکونتگاه‌های شهری کشور و ارزیابی آن‌ها باشد، اما بدون تردید از بسیاری از جهات کمیت و کیفیت این مداخله‌ها مشابه و نزدیک به هم است. در این تحقیق با انتخاب یکی از سکونتگاه‌های هدف طرح‌های توانمندسازی به تغییرات در حوزه‌های مختلف توانمندسازی و اثرات آن بر امنیت اجتماعی پرداخته شد. با اینکه در سطح اجرایی، توانمندسازی در سکونتگاه دولت‌آباد با کاستی‌هایی همراه است، با این وجود در سطح فعلی نیز دارای اثرات قابل توجهی بر روی شاخص‌های چهارگانه امنیت اجتماعی بوده است. آنچه که مشخص است این است که با نزدیک شدن به تیپ ایده‌آل توانمندسازی که با جامعیت و اثربخشی گسترده همراه است، می توان به چشم انداز شهر پایدار و ایمن نزدیک شد. هر چند تمیز دادن دقیق اینکه کدام عامل از متغیر مستقل بر روی کدام شاخص امنیت اجتماعی (با توجه به دیالکتیک گسترده و پیچیدگی‌های حوزه انسانی) مؤثر بوده است، کاری دشوار است اما در همین تحقیق به دنبال این تفکیک نیز بوده‌ایم. آنچه که در این تحقیق و در رابطه بین متغیر مستقل و وابسته قابل توجه می‌باشد این است که حوزه ارتقای فرهنگی و توانمند شدن فرهنگی ساکنین از مهم‌ترین شاخص‌های اثرگذار بر روی امنیت اجتماعی بوده است و این نشان دهنده آن است که همواره و در همه مناسبات اجتماعی نمی توان از اقتصاد به عنوان زیر ساختار اساسی نام برد که فرهنگ از آن تأثیر می‌پذیرد. این گفته به معنای بی اثر بودن اقتصاد بر روی شاخص‌های امنیت اجتماعی نیست و می توان به این گفته قناعت کرد که در شرایطی که وضعیت اقتصادی تغییرات چندانی نداشته است، تغییرات در سایر حوزه‌ها و به ویژه حوزه فرهنگ بر روی شاخص‌های امنیت اجتماعی مؤثر بوده‌اند. علاوه بر این تغییرات، شرایط فضایی-کالبدی در این دوران رو به بهبود بوده و با توجه به تأثیرگذاری فضا بر روابط اجتماعی و در اینجا امنیت اجتماعی، می توان از آن به عنوان یکی دیگر از عوامل بسیار مهم در تغییرات امنیت اجتماعی نام برد. علاوه بر این موارد، تحولاتی که در روابط اجتماعی و نوع روابط مشارکتی و گسترش سرمایه برون گروهی رخ داده است از دیگر عوامل مهم در ارتقای امنیت اجتماعی در این سکونتگاه بوده است. در نهایت توانمندسازی کلید گم‌شده تحقق یافتن امنیت اجتماعی است.

منابع

Athari K. "Justice in the region" Journal of Urban Development and organization Haft Shahr 2002; 3 (9,10)

Irandoost K. "Survey of short term experience of empowerment of sample of informal settle-ments of Kermanshah" Journal of Geography and Development, (2010) (20):59-78

Irandoost K. "Informal Sector Importance in Poor Communities Enabling, Journal of Urban De-velopment and organization Haft Shahr 2008; 2 (23,24): 40-49

Irandoost K and Sarafi M. "Hope and Disappointment in sample of informal settlements in Kermanshah" Journal of Social Welfare. 2007; 7 (26) :201-222

Empowerment and Organizing of Informal settlements writ, Approved by the Committee of Ministers of Iran 2003, Department of Housing and Urban Development, Secretariat of empowerment of informal settlements

Sarookhani B and Navidnia M. "Social security of family and residence" Journal of Social Welfare. 2006; 6(22) :87-107

Alaedini P and Aminnaseri A. "Mashhad's Informal Settlements: Examining Current Conditions and Past Improvement Initiatives" Journal of Urban Development and organization Haft Shahr 2008; 2 (23,24) :76-87

Kolahchian M. "Strategies to substantiation of social security" 2009; Journal of Social security (18) :63-90

Flick U. "An Introduction to Qualitative Research" Translate: Jalili H. Tehran, 2008

Kosari M and Hosseini S. "Potential of social Anomie in Marginalized sections of Tehran" Islamic Azad University, Tehran, 2009.

Naghdi A. and Sadeghi R. "Marginalization, A challenge for Sustainable urban Develop-ment" Journal of Social Welfare. 2006; 5 (20):213

Anjou.Malhatra & Sidney. Ruth, Schuler (2002) "Measuring Women's Empowerment as a Variable in International Development" Jun28

UN-HABITAT (2003) "The Challenge of Slums" www.UN-HABITAT.ORG

UN-HABITAT (2008) "The State of World Cities" 2008-2009, www.UN-HABITAT.ORG

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.1.3.4]